

Spring and Summer 2024, 1 (1), 49-58.

Examples of Imam Hussein Enjoining Good and Forbidding Evil in the Karbala Movement

Farahnaz Paridar^{1✉} 

1. Corresponding Author, Master's degree in History of Islamic Culture and Civilization, Islamic Education University, QOM, IRAN. E-mail: abootorab7267@gmail.com

Article Info

Article type:
Research

Article history:

Received: 14 December 2023
Accepted: 12 March 2024
Published online: 10
September 2024

Keywords:

Examples, Enjoining Good,
Forbidding Evil,
Ashura, Karbala
Uprising, Imam
Hussein.

ABSTRACT

The analysis of the examples of Imam Hussein's enjoining good and forbidding evil in the Ashura movement is of particular importance. This can show the reason for the persistence of Imam Hussein's movement and the formation of numerous uprisings influenced by it in the Islamic world. Considering the studies conducted in primary sources and new research by searching a library based on the descriptive-analytical method, we reached some results. Among the examples of Imam Hussein's enjoining good and forbidding evil in the Ashura movement are two-way conversation, kindness and forgiveness, arousing feelings and emotions, advice and counsel, calling with action, not blaming criminals and sinners, letter writing, practical and political protest, face-to-face meetings, and resistance and seeking martyrdom. These factors caused the foundations of the oppressive and unjust government to shake in the Karbala uprising.

Cite this article: Paridar, Farahnaz, Initial. (2024). Examples of Imam Hussein Enjoining Good and Forbidding Evil in the Karbala Movement. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 1 (1), 49-58.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.2047802.1027>



شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۷۶۷۱

سال اول، شماره اول (پیاپی ۱)، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ۴۹-۵۸.

مصادیق امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) در نهضت کربلا

فرحناز پریدار^۱ ✉

۱. کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. رایانامه: abootorab7267@gmail.com

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|---|--|
| نوع مقاله: ترویجی | واکاوی مصادیق امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) در نهضت عاشورا از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این امر می‌تواند علت پایداری نهضت امام حسین (ع) و شکل‌گیری قیام‌های متعدد متأثر از آن را در جهان اسلام نشان دهد. با توجه به بررسی‌های انجام شده در منابع اولیه و تحقیقات جدید با جست و جوی کتابخانه‌ای که مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است به نتایجی رسیدیم. از جمله مصادیق امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) در نهضت عاشورا، گفتگوی دوجانبه، مهربانی و بخشش، تحریک احساسات و عواطف، پند و اندرز، دعوت با عمل، ملامت نکردن مجرمان و گناه کاران، نامه نگاری، اعتراض عملی و سیاسی، ملاقات چهره به چهره و ایستادگی و شهادت طلبی است. این عوامل موجب تزلزل پایه‌های حکومت ظلم و جور در قیام کربلا شد. |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳ | |
| پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳ | |
| تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰ | |
| کلیدواژه‌ها: | |
| مصادیق، امر به معروف، نهی از منکر، عاشورا، نهضت کربلا، امام حسین. | |

استناد: پریدار، فرحناز (۱۴۰۳). مصادیق امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) در نهضت کربلا. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال اول، شماره ۱ (۱)، ۴۹-۵۸.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nriihs.2025.2047802.1027>

۱. مقدمه

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و سرنوشت خود را با سرنوشت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند پیوند داده است، لذا سود و ضرر افعال، اعمال و کارهایی که انجام می‌دهد، هم به وی باز می‌گردد و هم جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنان که اعمال و افعال دیگران در زندگی وی تأثیر دارند. همان گونه که انسان در قبال رفتار خود مسئولیت دارد، در برابر عملکرد افراد جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نیز مسئول است.

در اندیشه و بینش اسلامی یک مسلمان علاوه بر اصلاح، تزکیه و تهذیب نفس خویش، باید در جهت اصلاح دیگران نیز بکوشد. بی‌توجهی نسبت به اعمال و سرنوشت دیگران در واقع بی‌اعتنایی به سرنوشت خویش است. در این پژوهش سعی بر آن است که به این سؤال پاسخ داده شود: «امام حسین (ع) در نهضت کربلا جهت انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر از چه مصادیقی استفاده کردند؟». بنابراین به دنبال شناسایی، تبیین و روشن‌نگری مفهوم جایگاه، اهمیت و ارزش امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه آیات قرآن و همچنین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) در نهضت کربلا به عنوان هدف برای مخاطب مقاله مذکور هستیم.

شایان ذکر است که مقوله امر به معروف و نهی از منکر از جهات و ابعاد مختلف مورد پژوهش و بررسی پژوهشگران و محققان قرار گرفته است و آثار ارزشمند بسیار زیادی در قالب کتاب، پایان نامه و مقاله به رشته تحریر در آمده است. مقاله «امر به معروف و نهی از منکر» نوشته مشکینی، به طور اجمالی اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را بررسی کرده است. مقاله «امر به معروف و نهی از منکر» نوشته رحیمیان، به برخی از ابعاد امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. با توجه به جست‌وجوهای انجام شده

مشخص شد که تاکنون هیچ پژوهشی به صورت مستقل در رابطه با موضوع مصادیق امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) در قیام کربلا نپرداخته است.

۲. مفهوم شناسی

برای واژه‌ی «امر» در لغت، دو معنا بیان شده است. نخست آنکه به معنای «کار» است که جمع آن «امور» می‌باشد (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق: ۱/۱۱۰). دیگر آنکه به معنای «دستور دادن» و «طلب کردن» است که جمع آن «اوامر» می‌باشد (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲۲). واژه «نهی» نقیض و متضاد واژه امر است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۷/۷) و به معنای «زجر دادن» و «منع کردن» است. واژه «معروف» اسم مفعول و از ریشه «عرف» و به معنای «شناخته شده» می‌باشد (بستانی، ۱۳۷۵: ۸۷۴). چنانکه واژه «منکر» اسم مفعول و از ماده نکر و به معنای «ناشناخته» و «شناخته نشده» می‌باشد.

در اصطلاح «امر» اسمی می‌باشد که برای هر کار و فعلی که از دیدگاه عقل سلیم، دین و شریعت، نیکو بودن و خوب بودن آن شناخته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۸۷/۲). «منکر» در اصطلاح متضاد واژه «معروف» است؛ به این معنا که هر فعل و کاری که عقل و خرد سلیم به زشتی آن اشراف و علم دارد، یا اینکه عقول در زشتی و نیکو نبودن آن سکوت اختیار کرده‌اند. پس شریعت، بدی و زشتی آن را به وضوح بیان کرده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۹۷/۱۴). بنابراین امر به معروف به معنای فرمان دادن، دستور دادن، واداشتن به انجام کار و امور نیک و پسندیده و نهی از منکر، به معنای باز داشتن و نهی کردن از انجام امور بد و ناپسند است.

۳. جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در آیات

برای بیان منزلت امر به معروف و نهی از منکر، همین بس که خداوند تبارک و تعالی آن را به عنوان یکی از واجبات و

فروع دین قرار داده است. خداوند آیات فراوانی را که نمایانگر اهمیت و ضرورت این آموزه مقدس می‌باشد نازل کرده است. در ذیل به تفسیر آیاتی از قرآن کریم می‌پردازیم.

يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرُؤًا بِالمَعْرُوفِ وَانْتَهَ عَنِ المُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الأُمُورِ (لقمان، آیه ۱۷).

ای فرزندانم نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد با استقامت و شکیبا باش که این از کارهای مهم و اساسی است.

المُنَافِقُونَ وَ المُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ المَعْرُوفِ وَ يَقْسُضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ المُنَافِقِينَ هُمْ الأَفْسِقُونَ (توبه، آیه ۶۷).

مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه‌اند. آن‌ها امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند و دست‌هایشان را [از انفاق و بخشش] می‌بندند خدا را فراموش کردند و خدا آن‌ها را فراموش کرده [رحمتش را از آن‌ها قطع نموده] منافقان قطعاً فاسق‌اند.

وَ المُؤْمِنُونَ وَ المُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ المُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه، آیه ۷۱).

مردان و زنان باایمان، یار و یاور اولی‌ای یکدیگرند، به معروف (خوبی‌ها) فرمان می‌دهند و از منکرات و بدی‌ها (منکرات) نهی می‌کنند، نماز بر پای داشته، زکات می‌پردازند و از خداوند و پیامبرش پیروی می‌کنند. به زودی خداوند آنان را مشمول رحمت خویش قرار خواهد داد؛ همانا خداوند، توانای غالب و حکیم است.

لَتَأْتِيَونَ العَابِدُونَ الحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الأَمْرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ المُنْكَرِ وَ الحَافِظُونَ لِحدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ المُؤْمِنِينَ (توبه، آیه ۱۱۲).

(مؤمنان مجاهد)، اهل توبه، عبادت، ستایش، سیاحت، رکوع، سجود، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود و مقررات الهی‌اند و چنین مؤمنانی را بشارت ده.

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الأُمُورِ (حج، آیه ۴۱).

کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و (دیگران را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند و پایان همه امور برای خدا است.

خُذِ العَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الجَاهِلِينَ (اعراف، آیه ۱۹۹).

عفو و میانه‌روی را پیشه کن (عذر مردم را بپذیر و بر آنان آسان بگیر) و به کارهای عقل‌پسند و نیکو فرمان بده و از جاهلان اعراض کن.

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ المُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ المُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الأَفْسِقُونَ (آل عمران، آیه ۱۱۰).

شما بهترین امتی هستید که برای مردم ظاهر (و گزیده) شده‌اید. به خوبی‌ها فرمان می‌دهید و از بدی‌ها و زشتی‌ها، نهی می‌کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب (نیز به چنین آئین درخشانی) ایمان آورده بودند، قطعاً برایشان بهتر بود. برخی از آنان مؤمن‌اند، ولی بیشترشان فاسق‌اند.

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الأَیْمَنِ وَ یَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ المُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الخَیْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران، آیه ۱۱۴).

آنان به خدا و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کارهای خیر شتاب می‌ورزند و آنان از افراد صالح و شایسته هستند.

وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ یَدْعُونَ إِلَى الخَیْرِ وَ یَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ المُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ المُفْلِحُونَ (آل عمران، آیه ۱۰۴).

و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها همان رستگاران‌اند.

خداوند متعال در این آیه، مؤمنین را به امر به معروف و نهی از منکر توصیه می‌کند که باید مردم را به اعمال خیر و نیک بخوانند و از منکر و اعمال ناشایسته نهی کنند (نصرت بیگم، بی تا: ۲۱۱/۳). به عبارت دیگر پروردگار متعال در این آیه برای حفظ و نگهداری ارزش‌های اسلامی و جهت بقای جامعه اسلامی دستور می‌دهد همواره گروهی از مسلمانان باید آماده باشند که مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنند. وادار کردن دیگران به انجام کارهای خوب و بازداشتن آن‌ها از انجام کارهای بد اگر به صورت یک تکلیف و وظیفه در جامعه مطرح باشد و همه خود را به آن متعهد بدانند، آثار و نتایج بسیار درخشانی به بار می‌آورد و در سازندگی و بالندگی و رشد و تعالی جامعه و گسترش مبانی اخلاقی و ارزش‌های ایمانی تأثیر قاطعی دارد. همچنین علاوه بر نتایجی که بر دیگران می‌گذارد، برای خود شخص که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند بسیار سازنده است و او که دیگران را به نیکی‌ها دعوت می‌کند، سعی خواهد کرد که آن را در خود به وجود آورد (جعفری، ۱۳۷۶: ۲۰۹/۲).

ترویج و شیوع منکرات و کارهای ناپسند در اجتماع به زیان همه افراد جامعه است. گناه‌کاران در جامعه همچون مسافران کشتی هستند که می‌خواهند قسمتی از کشتی را سوراخ کنند و همه مسافران را نابود سازند. بنابراین دیگر مسافران به حکم عقل و برای حفظ خود و کشتی از کارهای ناشایست آن‌ها جلوگیری می‌کنند. امر به معروف و نهی از منکر وظیفه عقلی و حق طبیعی انسان‌ها است و منشأ آن پیوند سرنوشت آن‌ها در جامعه است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۰۸-۲۰۹/۳). انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی جامعه را به ارمغان می‌آورد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۵۹/۳).

امر به معروف و نهی از منکر چگونه می‌تواند در رستگاری یک جامعه اثر داشته باشد؟

از تجربیات قطعی بشر این است که اندوخته‌های فکری انسان با گذشت زمان، به دست فراموشی سپرده می‌شود؛ مگر آن که پیوسته یادآوری شود و در مرحله عمل، تکرار گردد و از همین جا است که پیوند «علم و عمل» مشخص می‌شود. علم، انسان را به عمل، راهنمایی می‌کند و عمل شایسته، بر آگاهی و بینش انسان می‌افزاید. از این رو، در یک جامعه سالم، همه باید برای پاسداری از فرهنگ و معرفت خویش بکوشند. نگهبانی از حریم مکتب به آن است که متخلفین از راه نیکی را، از سقوط به ورطه هلاکت باز دارند و با امر به معروف و نهی از منکر، زمینه ساز رفتار شایسته و در نتیجه تقویت‌کننده افکار صحیح باشند. پس بی‌اعتنایی به این وظیفه، پایه رفتار را سست و اندیشه‌های والا را در معرض فراموشی قرار می‌دهد. این آیه در سوره آل‌عمران که در مدینه نازل شده، از دو جهت، دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد؛ یک جهت آن واژه «ولتکن» است که لفظ امر است و جهت دیگر، انحصار رستگاری در این عمل هست؛ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. و دعوت به خیر در آیه، عبارت از امر به معروف و نهی از منکر (طباطبایی، بی تا: ۵۷۷/۳-۵۷۹).

دلیل تقدم امر به معروف، بر نهی از منکر این است که اگر راه معروف‌ها باز شود، زمینه برای منکر کم می‌گردد. يَا مُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (قرآنی، ۱۳۸۸: ۵۷۸/۱). بهترین و مطمئن‌ترین سند برای شناخت فلسفه و اهداف نهضت سید الشهداء، کلمات آن حضرت یا امامان دیگر در این مورد است. مجموع خطبه‌ها، سخنان، نامه‌ها و وصیت نامه امام حسین (ع) که درباره اهداف و انگیزه‌های قیام عاشورا است و نیز برخی از تعابیر زیارت نامه‌هایی همچون زیارت وارث، زیارت ناحیه مقدسه، زیارت اربعین که از امامان دیگر برای آن حضرت رسیده و در آن‌ها به انگیزه‌های قیام پرداخته می‌تواند در این مقاله بیان شود.

امام حسین^(ع) در وصیت‌نامه‌ای که هنگام خروج از مدینه و در زمان وداع با برادرش محمد بن حنفیه نوشت، هدف از حرکت خویش را چنین بازگو کردند:

من نه از روی سرمستی و گستاخی و نه برای فساد و ستمگری حرکت کردم؛ بلکه تنها برای طلب اصلاح در امت جدم حرکت کردم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم^(ص) و پدرم علی بن ابی‌طالب^(ع) عمل کنم (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۸۹/۴).

ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «اللَّهِمَّ إِنِّي أَحِبُّ الْمَعْرُوفَ، وَأُكْرَهُ الْمُنْكَرَ؛ خدایا من به معروف اشتیاق و از منکر متنفر و بیزارم» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق: ۱۱۱/۳). از این عبارات می‌توان اهداف ذیل را برای قیام عاشورا برشمرد:

الف) طلب اصلاح در امور امت پیامبر اکرم

ب) امر به معروف

ج) نهی از منکر

د) عمل به سیره رسول خدا^(ص) همانند برپایی نماز و پرداخت زکات (مظفری، ۱۳۸۵: ۵۹-۶۰).

امام حسین^(ع) درباره ذلت ناپذیری به منزله هدف دیگر قیام اشاره می‌کند. چنان که در مقابل پیشنهاد عبیدالله که حضرت را بین کشته شدن و بیعت کردن با یزید، مخیر کرده بود فرمود: «... هَيْهَاتَ مِمَّا الدَّلَّةُ يَأْبَى اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ؛ از ما دور است ذلت؛ چرا که خدا و رسولش^(ص) و مؤمنان، از چنین ننگی برای ما ابا دارند» (ابن طاووس، ۱۳۸۰: ۹۷).

نکته شایان توجه در این فراز آن است که امام حسین^(ع) ذلت ناپذیری خود را مستند به امر خدا و سیره رسول خدا^(ص) و مؤمنان می‌داند؛ چرا که مؤمن واقعی با پیروی از فرمان خدا و تاسی به سیره رسول خدا^(ص) به هیچ رو تن به ذلت نمی‌دهد. بنابراین امام حسین^(ع) علت و انگیزه قیام خویش را مبارزه با منکرات فراوان در جامعه اسلامی و تبلیغ و ترویج معروف در بین مسلمانان اعلام می‌کند؛ لذا فلسفه اصلی و

نهایی قیم کربلا را می‌توان در یک هدف جامع و کلی؛ یعنی احیای فرهنگ اسلام اصیل و ناب محمدی^(ص) و زدودن زنگارهای تحریف و بدعت از دین پیامبر خلاصه کرد. البته حضرت راهکار و ابزار لازم برای عملی کردن این هدف را در عنصر امر به معروف و نهی از منکر می‌دانست؛ از این رو در وصیت‌نامه خود به محمد بن حنفیه بیان کردند: «أُرِيدُ أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ».

علتی که امام حسین^(ع) برای حرکت خویش اعلام کرده بود؛ مبارزه با اموری چون رواج بدعت‌ها و مخالفت با کتاب خدا و حلال و حرام الهی، نابودی سنت پیامبر اکرم^(ص) شیطان محوری و ترک خدا محوری، فساد و ظلم و بی‌عدالتی و ناامنی در جامعه اسلامی، تعطیلی حدود الهی و در انحصار گرفتن و تاراج بیت‌المال مسلمانان، در واقع از شیوع «منکر» در جامعه اسلامی حکایت داشت که آن حضرت خود را موظف به نهی از آن‌ها می‌دانست و سکوت را جایز نمی‌دید؛ هر چند به قیمت جانش تمام می‌شد. امام حسین^(ع) جامعه اسلامی را به اموری از قبیل عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر^(ص) احیای مظاهر و نشانه‌های حق، ایجاد امنیت و اصلاح امور امت فرا می‌خواند و این نشان می‌دهد که امری به نام «معروف» در جامعه از بین رفته و در حال نابودی است.

امام حسین^(ع) با امتناع از بیعت یزید، از یک سو آمادگی خود را برای شهادت و مقاومت در برابر حکومت وی اعلام کردند و از سوی دیگر، برای برانداختن حکومت یزید و تأسیس حکومت اسلامی تلاش کردند. سر باز زدن از بیعت، به معنای نهی از منکر، ترویج معروف و اتمام حجت با مسلمانان درباره حرمت سکوت در برابر بدعت‌ها و جنایات بنی‌امیه بود؛ چنان که بیعت یا حتی سکوت در مقابل چنین حکومتی افزون بر آنکه ترویج منکر و مبارزه با معروف بود، عذر و بهانه نیز برای افراد عادی در همکاری با

حاکمان اموی می‌شد. آن حضرت با حرکت و قیام خود، مشروعیت کاذب حکومت یزید را در افکار عمومی سلب کردند (گروهی از مورخان، ۱۳۹۵: ۶۵-۶۶).

۴. مصادیق امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع)

۱. گفتگوی دو جانبه

یکی از مصادیقی که امام حسین (ع) جهت امر به معروف و نهی از منکر در جریان کربلا انجام داد، گفت‌وگوی دو جانبه بود. همانند ملاقات امام حسین (ع) با عمر بن سعد که به گزارش منابع تاریخی، امام در روزهای اول محرم دیدارهایی با عمر بن سعد داشته و کوشیده او را از جنگ منصرف سازد. به گزارش تاریخ طبری، هانی بن ثبیت حَضْرَمی که از سپاهیان عمر بن سعد بوده و در روز عاشورا عبدالله بن علی بن ابی طالب را به شهادت رساند (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۴۰۷/۳) و از شاهدان واقعه کربلا بوده است می‌گوید: «حسین بن علی (ع) یکی از یاران خود را به نام عمرو بن قَرظَه انصاری نزد عمر بن سعد فرستاد و به او پیغام داد که شبانه میان دو لشکر با هم دیدار کنند. عمر سعد به همراه حدود بیست سوار و امام حسین (ع) نیز با همین تعداد راه افتادند؛ وقتی به هم رسیدند، امام به اصحابش فرمود که به کناری روند و عمر نیز چنین کرد؛ آنگاه با یکدیگر گفت‌وگو کردند؛ سپس هر کدام با همراهان خود به لشکرگاه برگشتند» (طبری، بی تا: ۴۱۴/۵).

ابن اعثم پس از نقل پیام امام حسین (ع) جهت گفت‌وگو، می‌نویسد: «عباس بن علی و علی بن الحسین (ع) نزد حسین بن علی (ع) و حَفْص فرزند عمر سعد و غلام وی به نام لاحق نزد او (ابن سعد) ماندند؛ حسین (ع) به ابن سعد فرمود: وای بر تو! آیا از خدایی که بازگشت تو به سوی اوست نمی‌ترسی و با من می‌جنگی؟ در حالی می‌دانی من فرزند کیستم و چه نسبتی با پیامبر (ص) دارم؛ این گروه را رها کن و با من همراه شو تا مقرب درگاه الهی شوی؛ عمر بن سعد گفت:

می‌ترسم خانه‌ام را خراب کنند؛ فرمود: من برایت خانه‌ای تهیه می‌کنم. گفت: اموالم را می‌گیرند؛ فرمود: من بهتر از آن را به تو می‌دهم. عمر ساکت شد و جوابی نداد؛ امام در حالی که آنجا را ترک می‌کرد فرمود: خدا به زودی تو را در بسترت بکشد و در روز قیامت نیامرزد. امید دارم از گندم عراق جز اندکی نخوری» (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق: ۹۲/۵-۹۳). نمونه دیگر، گفت‌وگوی دو جانبه امام حسین (ع) با زهیر بن قین بود؛ وی با آنکه تمایل به دیدار نداشت؛ با اصرار همسرش به دیدار ایشان رفت و بعد از گفت‌وگوی دو جانبه با امام حسین (ع) به یاران ایشان پیوست و در نهایت در رکاب امام شهید شد (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۲۹۴؛ ابومخنف، ۱۳۸۰: ۹۹).

۲. مهربانی و بخشش

از دیگر مصادیق امر به معروف و نهی از منکر، مصداق مهربانی و بخشش است که امام حسین (ع) در روز عاشورا بعد از آن که با شمشیرها و نیزه‌های دشمن، زخم‌های زیادی برداشته بود و دیگر رمقی در جان نداشت، زمانی که شمر بن ذی الجوشن لعنه الله علیه بر سینه مبارکش نشسته بود و می‌خواست سر امام را از تن جدا کند، امام با مهربانی او را از این کار بازداشت؛ ولی او با تمام قساوت قلب، سر امام را از تنش جدا کرد که لعنت خدا بر او باد. نمونه دیگر عفو و گذشت و بزرگواری در رفتار امام حسین (ع) حر بن یزید ریاحی بود که او را بخشید و به او افتخار کرد (پاک‌نیا، ۱۳۸۲: ۲۹)؛ با آنکه حر در حق امام جفا کرده بود (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۱۲۷-۱۲۸).

۳. تحریک و احساسات

امر و نهی، تحریکی است که تذکر دهنده با استفاده از تحریک احساسات و عواطف و ارزش‌های مورد قبول و تعصبات سالم گناه‌کار، او را امر به معروف و نهی از منکر کند. امام حسین (ع) پس از شهادت یاران باوفایش و در

لحظه‌های حساس عصر عاشورا، قنذاقه کودک شش ماهه خویش را بر روی دست گرفت و خطاب به کوفیان فرمود: «ای مردم! شیعیان و اهل بیت مرا کشتید؛ فقط این طفل باقی مانده است که از تشنگی دهان را باز و بسته می‌کند، او را به جرعه‌ای سیراب کنید» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۰).

۴. پند و اندرز

در مصداق امر و نهی اندرزی، صمیمیت بیشتری بر فضای ارتباطها حاکم است و دلسوزی بیشتری از سوی تذکر دهنده، ابراز می‌شود. گناهکار هم به خوبی آن را احساس می‌کند؛ البته هرچه نفس تذکر دهنده پاک‌تر باشد، موعظه او مؤثرتر خواهد بود. نقل شده است که امام به سوی لشکر عمر بن سعد رفت، نگاهی به صف‌های آنان انداخت و نگاهی به عمر بن سعد کرد که در بین سران کوفه ایستاده بود. آنگاه بعد از حمد و ثنای الهی به نصیحت و پند و اندرز آنان پرداخت و فرمود:

أَرَأَيْتُمْ قَدْ اجْتَمَعْتُمْ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ أَشْخَطْتُمُ اللَّهَ فِيهِ عَلَيْكُمْ وَأَعْرَضَ بَوَجْهِهِ الْكَرِيمِ عَنْكُمْ وَأَحَلَّ بِكُمْ نِقْمَتَهُ وَجَنَّبَكُمْ رَحْمَتَهُ فَنِعْمَ الرَّبُّ رَبُّنَا وَبَنَسِ الْعَبِيدَ أَنْتُمْ أَقْرَبُتُمْ بِالطَّاعَةِ وَآمَنْتُمْ بِالرَّسُولِ مُحَمَّدٍ ص ثُمَّ إِنَّكُمْ زَحَفْتُمْ إِلَىٰ ذُرِّيَّتِهِ وَعَثْرْتِهِ تُرِيدُونَ قَتْلَهُمْ لَقَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاكُمْ ذِكْرَ اللَّهِ الْعَظِيمِ فَتَبَّ لَكُمْ وَلِمَا تُرِيدُونَ «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، آیه ۱۵۶). هُوَ لَاءِ قَوْمٍ كَفَرُوا بَعْدَ إِيْمَانِهِمْ «فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (مومنون، آیه ۴۱).

«می‌بینم که شما در کاری همدست شده‌اید که خشم خدا را برانگیخته و او روی کریمش را از شما برگردانده است؛ عذابش را متوجه شما ساخته و رحمتش را از شما دور ساخته است. پس چه نیکو پروردگاری است پروردگار ما و بد بندگانی هستید شما؛ زیرا به اطاعت خدا اقرار کردید و به پیامبرش محمد (ص) ایمان آوردید؛ اما اکنون برای کشتن فرزندان‌ش هجوم آورده‌اید. به راستی که شیطان بر شما چیره گشته و خدای بزرگ را از یادتان برده است. پس هلاکت باد بر شما و آنچه آهنگ کرده‌اید! ما از خداییم و بازگشتمان به

سوی اوست. اینان گروهی هستند که بعد از ایمان، کفر ورزیدند؛ پس دور باد (از رحمت خدا) گروه ستمکاران» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶/۴۵).

۵. دعوت با عمل

مهم‌ترین، مؤثرترین و بارزترین مصداق امر به معروف و نهی از منکر آن است که انسان با عمل و فعل خود، دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کند. چنان که امام حسین (ع) در میدان جنگ نماز را ترک نگفت و آن را ادا کرد.

۶. ملامت نکردن مجرمان و گناهکاران

مصداق دیگر امر به معروف و نهی از منکر، عدم سرزنش گناهکار بود؛ چون سرزنش و ملامت، باعث لجابت و در نتیجه باعث افزایش جرم می‌شود. باید با گناهکار با مهربانی و ترحم رفتار کرد. حر بن یزید به سوی لشکر امام حسین (ع) آمد، در حالی که دست‌ان خود را روی سرش نهاده بود و می‌گفت: «خداوندا! به‌سوی تو بازگشته‌ام؛ پس توبه مرا بپذیر. من دل دوستان و فرزندان پیامبر را ترساندم». امام فرمود: «آری، خداوند توبه تو را می‌پذیرد و تو را می‌آمرزد» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۲۳). امام حسین (ع) حر را بدون هیچ سرزنش و ملامتی با آغوش باز پذیرفت (رنجبر حسینی و رهبر، ۱۳۹۸: ۱۶-۱۷).

۷. نامه نگاری

نامه نگاری‌های متعدد امام حسین (ع) در طول نهضت کربلا بیانگر مصداق صریح امر به معروف و نهی از منکر بوده است. حضرت به وسیله نامه‌نگاری، همچون نامه نگاری‌هایی که با سران بصره (هادیان حیدری، ۱۳۹۶: ۹۰-۹۲) و مردم کوفه داشت، آن‌ها را امر به معروف مثل احیای کتاب خدا، سنت نبوی و همراهی امام و نهی از منکر مانند دوری جستن از نابود کردن سنت پیامبر اکرم (ص) و احیای بدعت‌ها می‌کرد (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۴۱۹-۴۲۱).

۸. اعتراض عملی و سیاسی

مهربانی و بخشش، تحریک احساسات و عواطف، پند و اندرز، دعوت با عمل، ملامت نکردن مجرمان و گناهکاران، نامه‌نگاری، اعتراض عملی و سیاسی، ملاقات چهره به چهره و ایستادگی و شهادت طلبی در جهت امر به معروف و نهی از منکر استفاده کرد. نوآوری‌هایی که از این تحقیق به دست آمده عبارتند از اینکه باید در تمام ابعاد زندگی اعم از فردی و اجتماعی پیرو مکتب اهل بیت (ع) باشیم؛ چرا که تنها نسخه شفابخش و سعادت دنیوی و اخروی برای جامعه و فرد همین تاسی و الگو برداری از اهل بیت (ع) در تمامی ابعاد زندگی می‌باشد.

کتابنامه

- قرآن کریم

- ابن اعثم، ابومحمد احمد بن اعثم، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۱ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الأملی، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: آل علی (ع)، ۱۳۸۲.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم: علامه، ۱۳۷۹.
- ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران: جهان، ۱۳۴۸.
- ابن طاووس، علی بن موسی، غم نامه کربلا: ترجمه اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، تهران: مطهر، ۱۳۷۷.
- ابن طاووس، علی بن موسی، لهوف، ترجمه حسن میرابوطالبی، قم: دلیل ما، ۱۳۸۰.
- ابومنصف کوفی، لوط بن یحیی، نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا ترجمه وقعه الطف، ترجمه جواد سلیمانی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمه، تصحیح مجتبی فرجی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۶ق.

از مصادیق دیگر امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) در قیام کربلا، اعتراض عملی و سیاسی ایشان مانند خروج از مدینه به سوی مکه و از مکه به سوی عراق برای مقابله با حکومت ظلم و جور و عدم بیعت با حاکم آن زمانه بود.

۹. ملاقات چهره به چهره

یکی دیگر از مصداق‌هایی که امام حسین در قیام کربلا برای امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌داد، ملاقات‌های ایشان در طول حرکتش از مدینه تا رسیدن به کربلا می‌باشد. امام در طول سفرش از مدینه تا کربلا با افراد متعددی چه گروهی و چه انفرادی ملاقات و گفت‌وگو کردند (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۲-۳۲).

۱۰. ایستادگی و شهادت طلبی

مهم‌ترین و بارزترین مصداق امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) در کربلا ایستادگی و شهادت طلبی ایشان بود؛ چنان که در سراسر رفتار، گفتار، کردار و سکانات امام، ایستادگی و شهادت طلبی نمایان است.

۵. نتیجه‌گیری

بی‌تردید در میان رویدادهای نخستین اسلام و دیگر پدیده‌های تاریخی، قیام کربلا به رهبری امام حسین (ع) مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رخداد به شمار می‌آید. یکی از ویژگی‌های مهم این قیام، شخصیت بی‌بدیل رهبر آن است؛ امام معصومی که برای حفظ کامل‌ترین و آخرین دین الهی، جان خود را فدا کرد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین عاملی که امام حسین (ع) قیام کربلا را آغاز کرد امر به معروف و نهی از منکر بود؛ چرا که در آن روزگار، ظلم و فساد جامعه را در بر گرفته بود و دین مبین اسلام در خطر نابودی کامل بود و بدعت‌های زیادی در جامعه رواج پیدا کرده بود.

تنها راه حفظ و نگهداری از دین، قیام امام حسین (ع) بود؛ حضرت در کربلا از مصادیقی همچون گفتگوی دوجانبه،

- بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهبیار، تهران: اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
- پاک‌نیا، عبدالکریم، «شیوه‌های پرورش عزت نفس در سیره امام حسین(ع)»، نشریه مبلغان، شماره ۳۹، ۱۳۸۲.
- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم: هجرت، ۱۳۷۶.
- حسینی‌همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: لطفی، ۱۴۰۴ق.
- حسینی، سید محمد حسین، «ملاقات‌های امام حسین(ع) از مدینه تا کربلا»، نشریه مبلغان، شماره ۱۱۱، ۱۳۷۸.
- حسینی، سید محمد حسین، «نامه‌های امام حسین(ع)»، نشریه مبلغان، شماره ۸۸، ۱۳۸۵.
- حسینی، سید محمد حسین، «نامه‌های امام حسین(ع)»، نشریه مبلغان، شماره ۸۷، ۱۳۸۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
- رنجبر حسینی، محمد و عاطفه رهبر، «رویش و ریزش‌ها در قیام امام حسین(ع)»، پژوهشنامه معارف حسینی، سال چهارم، ش ۱۶، زمستان ۱۳۹۸.
- طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، قم: دفتر اسلامی - جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، بی‌تا.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، ترجمه محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: روائع التراث العربی، بی‌تا.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی، ۱۳۶۶.
- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: موسسه دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- قرآنتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.
- گروهی از مورخان، گزیده تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۵.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت: التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- مردانی نوکنده، محمد حسین، «نکته‌هایی از معارف حسینی: آموزه‌هایی از قیام امام حسین(ع)»، پژوهش‌نامه معارف حسینی(آیت بوستان سابق)، سال هفتم، ش ۲۶، تابستان ۱۴۰۱.
- مظفری، آیت، «امام حسین(ع) پیشوای اصلاح‌طلبی اصول‌گرایانه»، فصلنامه پیام ویژه محرم، ش ۸۰، ۱۳۸۵.
- نصرت بیگم، امین، تفسیر المخزن العرفان در علوم القرآن، بی‌جا: بی‌تا.
- هادیان حیدری، بابک، «قیام امام حسین(ع) اهداف و انگیزه‌های آن» پژوهش‌نامه معارف حسینی (آیت بوستان سابق)، سال دوم، ش ۷، پاییز ۱۳۹۶.